



ویژه نامه مذهبی - خبرگزاری صدا و سیما

مبانی قرآنی نهضت حسینی (۲)

بالا می آورد، نظام خلقت هم همین طور است.

شما در جریان مغول و امثال مغول حوادث تلخی و جناباتی می بینید که به مراتب سنگین تر از کربلا بود اما در کتاب‌های تاریخ دفن شد و نامی از اینها نیست، آن کسی که همتای قرآن و قرآن ناطق است آنکه برابر نظام هستی حرکت می کند نتیجه اش بقاء است، زینب کبرا با یک سوگند قاطع در شام فرمود قسم به خدا ما زنده ایم، هیچ ممکن نیست بتوانی نام ما را دفن کنی، این با علم غیب دارد سخن می گوید اینکه «أنت عالمه غیر معلمه» قسم به خدا ما زنده ایم!

اما موضوع سخن مبانی قرآنی نهضت حسینی (علیه السلام) بود. گفته شد که در عصر هیچ امامی، در عصر هیچ رهبری این گونه فضای سیاسی تاریک نبود، اما در عصر حسین بن علی بن ابی طالب کفر مسلم به صورت نفاق در آمد و حکومت

اسلامی را در دست گرفت و همه مظاهر دین در اختیار او بود، منتها با چهره نفاق... در سه نشئه یک فضای تیره مذهبی ایجاد کردند: قبل از قیام فتوا به حلیت و وجوب کشتن، بعد از مبارزه و شهادت فتوا به اینکه کسی که رفت به جنگ حسین بن علی شهید است و حسین بن علی و همراهان خونشان هدر است و استحقاق کفن و دفن را ندارند، بعد هم آمدند فضایی برای روز عاشورا ذکر کردند

وجود مبارک زینب کبری (سلام الله علیها) بعد از عاشورا فرمود: فقط فاجر و فاسق دروغ می گوید و او ما نیستیم یعنی دودمان اموی اند



ماه محرم برای ما مثل ماه مبارک رمضان است، یعنی ماه عبادت است لذا سینه زدن‌های ما، گریه‌های ما، ناله‌های ما باید طوری باشد که این نظام را حفظ کند. بخش وسیعی از فداکاری‌های این شهدا هم به وسیله همین مرثیه بود. وقتی این مرثیه‌ها و این عزاداری‌ها می‌تواند یک کشور را حفظ کند، چرا ما آن را با عظمت و جلال حفظ نکنیم؟! چرا معاذ الله آن را با بعضی از امور دیگر مخلوط کنیم؟! حرف‌های ضعیف نقل کنیم؟! چرا ما این گوهر گرانبها را ارج ننهیم؟! عزاداری ما معاذ الله اگر بی محتوا باشد، حرف‌های سست، حرف‌های بی مغز، حرف‌های بی سند، حرف‌هایی که خدای ناکرده اختلاف‌انگیز است، وحدت را به هم می‌زند، مردم را به عوامی می‌کشاند، این حرف‌ها با حرف‌های کربلا هماهنگ نیست.

حزن و غمگینی انسان در ماه محرم، عبادت است، «نفس المهموم لظلمنا تسبیح و همّه لنا عبادة»، کسی که در ماه محرم یک آهی می‌کشد این آه عبادت است این چه ماهی است! این دین می‌خواهد ماه محرم را مثل ماه مبارک رمضان ماه عبادت قرار دهد، برای مظلومیت سالار شهیدان کسی آه

بکشد عبادت است. در ماه محرم اگر انسان مهموم و غمگین شد، عبادت است؛ اهتمام ورزیدن به این که نام حسین بن علی (سلام الله علیهما) را احیا کنند، عبادت است.

اگر سؤال کنند شما اصل عالم را از چه چیزی خلق کردید مصالح ساختمانی عالم چیست؟ پاسخ قرآن این است که ما عالم را از حق خلق کردیم، مصالح ساختمانی این عالم، حقیقت است یعنی اینجا جای باطل نیست؛ همان طوری که ساختار بدنی ما را به حق و به سلامت خلق کردند و دستگاه گوارش انسانی فقط غذای سالم را می‌پذیرد، غذای باطل را



دیگر حالا این زیاد هیچ حرفی برای گفتن ندارد آن چوبی که دستش بود آن را بلند کرد بر لبان مطهر سیدالشهدا این چوب را آشنا کرد برخیزا که در همان دارالاماره بودند، گفتند این چوب را از لبان مطهر ابی عبدالله بردار چون ما خودمان دیدیم وجود مبارک رسول گرامی این لبان مطهر را دارد می‌بوسد، حالا دم دروازه بود، در حال رفتن بود، در اثنای کوی و برزن بود، زینب کبرا به این سر مطهر که گاهی چوب می‌خورد، گاهی قرآن می‌خواند عرض کرد برادر من همه جریانها را شنیده بودم اما این صحنه باورم نمی‌شد که بین من و تو این مقدار فاصله باشد من روی شتر بی‌جهاز، شما روی نی، بجهت جلوی من نشسته خیره خیره به تو نگاه می‌کنم من از سایر سرها هیچ توقی ندارم آنها قرآنی نخواندند، حرفی نزدند تو که قرآنی خواندی و می‌توانی حرف بزنی یک چند جمله هم با این دختری سخن بگو

ما توهمت یا شقیق فؤادی
یا أخی فاطم الصغیره کلمها
کان هذا مقدرأ مکتوبا
فقد کاد قلبها أن ینوبا»

(برادرم فکر نمی‌کردم سر بریده تو سر خون آلود تو مقابل زینب... برادر جان یکی دو جمله با این بچه سخن بگو... که فلیش دارد ذوب می‌شود... بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۱۵)

باز این چه چوبی است
باز این چه چوبی است
باز این چه چوبی است
باز این چه چوبی است



حالا سر مطهر جلو اسرا آمدند در برابر آن سر این زیاد به زینب کبری می‌گوید خدا را شکر می‌کنیم که - معاذ الله - دروغ شما را علنی کرد و شما را رسوا کرد زینب کبری فرمود ما را خدای سبحان با نبوت و وحی و قرآن و طهارت و عصمت معزز و مکرم کرد ما دروغ نمی‌گوییم و آن دیگری است.

گفت کاری که خدا با برادرت کرد چگونه دیدی، فرمود: «ما رأیت الا جمیلا» [بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۱۶] اگر کار خداست نه تنها خوب است، جز خوبی چیز دیگر نیست گفت به ما خیلی خوش گذشت کربلا، نگفت به ما خوش گذشت فرمود ما در کربلا جز خوبی چیزی ندیدیم «ما رأیت الا جمیلا».

خیلی فرق است اینکه می‌گویند صراط مستقیم از مو باریک‌تر است از شمشیر تیزتر «أدق من الشعر وأحد من السیف» [کافی، ج ۸، ص ۳۱۲] سرش این است این راه باریک از نظر معرفت تشخیص از دیدن موی باریک دشوارتر است از نظر پیمودن و رفتن از نظر عمل از رفتن بر لبه تیز شمشیر تیز سخت‌تر است «أدق من الشعر وأحد من السیف» وگرنه صراطی که از خاک باشد، خاشاک باشد، چوب باشد، سنگ باشد که نیست دین صراط مستقیم است، امام صراط مستقیم است تشخیص این راه کار آسانی نیست این بزرگوار می‌گوید:

عاشق صنع خدا با فر بود عاشق مصنوع حق کافر بود
اگر شما می‌بینید این نام می‌ماند برای اینکه صنع خدا را با مصنوع خلق

در مراسم‌ها از حرفهای ضعیف و بی‌سند پرهیز شود

فرق گذاشتند.

وجود مبارک زینب کبرا (سلام الله علیها) چون عاشق حق بود و اگر عاشق حسین بن علی بود به این مجاز دل بست که مجوز و معبر بشود برای آن حقیقت گفت به ما در کربلا خیلی خوش گذشت ما هیچ نقضی ندیدیم «ما رأیت الا جمیلا» [بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۱۶] بعد گفت که اینها با این وضع قیام کردند و کشته شدند خدای سبحان قلب ما را با این خنک کرد بعد این آیه را خواند فرمود: **کَتَبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلَ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ** [سوره آل عمران، آیه ۱۵۴] چون در قرآن کریم به یک عده‌ای خطاب کرده است ذات اقدس الهی فرمود: **لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كَتَبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلَ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ**: اگر در خانه‌های خویش هم بودید، کسانی که کشته شدن در سرنوشتشان نوشته شده بود، [با پای خویش] به قتلگاه خویش رهسپار می‌شدند. شما اگر چنانچه به جبهه‌ها نروید خدای سبحان این جبهه‌ها را تأمین می‌کند یک عده‌ای هستند که به جبهه اعزام بشوند دین را حفظ بکنند **لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كَتَبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلَ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ**.
وقتی این سخنان بلند و نقض و علمی را از زینب کبری (سلام الله علیها) شنید دید در برابر این زن هیچ نمی‌تواند مقاومت کند دستور قتل زین العابدین را صادر کرد زینب کبری (سلام الله علیها) قیام کرد گفت تا من زنده‌ام اجازه نمی‌دهم که به برادرزاده‌ام آسیبی برسد این زیاد گفت «عجیبا للرحم» [بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۱۷] زین العابدین (سلام الله علیه) فرمود عمه، بخشهای دیگری هم هست «أنت بحمد الله عالمة غیر معلمة فهمة غیر مفهومة» [بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۶۴] که در جای دیگر هم فرمود، فرمود من خودم جواب این زیاد را می‌دهم، بعد فرمود این زیاد اگر جدا قصد قتل من داری یک محرم برای این قافله فراهم بکن که اینها را به مدینه برساند.
زینب کبری مقاومت کرد، زین العابدین با این سخنرانی او را سر جایش نشاند،



رها شدم از وهابیت (۴)

بیشتر سربازان محمد بن عبدالوهاب یهودی بودند!

۴. محمد بن علی بن سلوم متوفای ۱۲۴۶ هجری که شاگرد عبدالله بن فیروز بود که او نیز از مخالفان سرسخت ابن عبدالوهاب بود.

۵. محمد بن عبدالله بن فیروز الاحسائی متوفای ۱۲۱۶ هجری که بزرگ ترین دشمن محمد بن عبدالوهاب است و بارها ابن عبدالوهاب تلاش کرد او را ترور کند، اما او هم موفق شد به بصره فرار کرد.

- درباره وضعیت علمی زمان شکل گیری خروج محمد بن عبدالوهاب بیشتر برای ما بگویید. آیا با محمد بن عبدالوهاب مخالفت می شد؟ در آن دوره اوضاع به گونه ای بود که کسی جرأت نمی کرد سر بلند کند و در برابر محمد بن عبدالوهاب بایستد و با او مخالفت کند.

اما داستان تشکیل حکومت آل سعود و وهابی ها: قبیله بنی خالد در آن زمان بر الدرعیه تسلط داشتند و محمد بن سعود از سال ۱۶۹۵ تا سال ۱۷۰۹ به بنی خالد مالیات و خراج می داد. پس از سال ۱۷۰۹ که محمد بن عبدالوهاب هم به کمک محمد بن سعود آمد، محمد بن سعود به این فکر افتاد برای غلبه بر بنی خالد با انگلیسی ها هم پیمان شود و علیه آنها (بنی خالد) خروج کند و بدین ترتیب بنی خالد در مقابل ائتلاف سعودی انگلیسی تضعیف شد و همین نیز دلیل مستقیم همدست شدن محمد بن سعود با انگلیسی ها بود و انگلیس ها و مستشرقان انگلیسی که با آل سعود در آن زمان سر و کار داشتند به توصیه دستگاه اطلاعات انگلیس یاد گرفته بودند که باید مدح حکام سعود را بگویند و از آنها تعریف و تمجید کنند.

دانشمندی که نام برخی از آنها را ذکر کردم یا به فرار گذاشتند یا ساکت شدند و پس از آن رفته رفته حکومت سعودی پولدار شد و اموال زیادی به سوی آنها سرازیر شد و به برخی پول های هنگفت دادند تا ساکت شوند. خلاصه اینکه در آن زمان سران قبائل همه تسلیم شدند، چون شمشیر حاکم بود و هر چقدر که آل سعود بیشتر تسلیم انگلیس می شدند، برخی دانشمندان هم بیشتر تسلیم آل سعود می شدند.

- برخی بر این باورند که وهابی ها در اعتقادات و عملکرد و

دکتر علی الشعیبی از مسلمانان متولد رقه سوریه است که از کودکی علاقه و استعداد سرشاری در یادگیری و تبلیغ اسلام داشت و از زمان ۱۲ سالگی تحت تاثیر شیوخ وهابی رقه به این فرقه مذهبی گرایش پیدا کرد و جوانی خود را در سوریه و عربستان با اعتقاد به وهابیت و تعالیم محمد بن عبدالوهاب گذراند و سال ها نیز به عنوان مشاور ملک فهد پادشاه عربستان فعالیت کرد تا اینکه به دروغگو بودن محمد بن عبدالوهاب و ابن تیمیه پی برد و با آشنایی با حدیث غدیر خود را بر سر دوراهی بهشت و جهنم یافت.

ادامه بحث:

- هنگامی که حکومت وهابی به سرکردگی محمد بن عبدالوهاب و ریاست سیاسی محمد بن سعود شکل گرفت، آیا در آن زمان علمای مسلمان در آن منطقه حضور داشتند؟ اگر بودند موضع آنها در برابر تشکیل این حکومت چه بود؟

برخی چاپلوسان درباره ابن عبدالوهاب می گویند: «کان وحید عصره و فرید دهره» تا بگویند در آن زمان عالمی جز وی نبوده، اما واقعیت این است که در آن زمان علمای زیادی بوده اند و کسانی که می گویند زمان ظهور محمد بن عبدالوهاب، جزیره عربی در بدترین وضعیت فکری و دینی و اجتماعی بود در اشتباهند و این سخن نادرست است. در اینجا با توجه به چند نفر که در زمان محمد بن عبدالوهاب مطرح بوده اند و با او هم مخالفت کرده اند اشاره می کنم:

۱. سلیمان بن سحیم است که نجدی و حنبلی و متوفای ۱۲۳۰ هجری است.
۲. محمد بن عبدالرحمن بن عفاق الحنبلی الاحسائی متوفای سال ۱۱۶۴ هجری، با براهین علمی و دینی و با استناد به کتاب و سنت، نظریات او را رد کرد.
۳. عبدالله بن احمد ابن سحیم متوفای ۱۱۷۷ هجری که اهل المجمع در القسیم بود و چون تهدید به قتل شد از آنجا فرار کرد و شبانه به بصره فرار کرد.



میشد و هدفی جز زیارت قبر پیامبر(ص) نداشت. البته برخی برای اینکه کسی به این فعل بلال استناد نکنند می گویند بلال پیامبر(ص) را در خواب دیده که او را به خاطر اینکه کم به زیارت او می آید سرزنش کرده تا بدین ترتیب این عمل بلال را به یک خواب مستند کنند و بگویند اصلی ندارد اما حسنی و الذهبی و دیگران به این فعل بلال استناد کرده اند.

علاوه بر اینها «ابن عساکر» صاحب تاریخ دمشق درباره کسانی حرف می زند که به صورت مستمر به زیارت قبر پیامبر(ص) می رفته اند و در آنجا می گوید «عمر بن عبدالعزیز» یکی از اطرافیان نزدیک به خود را به مدینه و زیارت قبر پیامبر(ص) می فرستد تا سلام عمر بن عبدالعزیز را به پیامبر(ص) برساند. همین موضوع خیلی وهابی ها را به خود مشغول ساخته و برای نجات یافتن از آن به تحریف و تشویه تاریخ روی آورده اند.

به عنوان مثال «اسماعیل بن حمید» در یکی از کتاب های خود پس از مقدمه می نویسد آماده رفتن به زیارت قبر پیامبر(ص) است و این کتاب هزاران دست گشت و وهابی ها کلمه قبر را از این جمله حذف کردند.

- چرا آنها اصرار دارند کلمه قبر را حذف کنند؟

آنها بسیار به پیامبر(ص) بی احترامی کردند. این روش آنها روش هجوم نرم و جنگ نرم علیه پیامبر است. آنها بسیاری از فرمایشات و سخنان پیامبر(ص) را حذف کردند و گفتند این بدعت است و پس از آن بسیاری از سخنان صحابه در مورد پیامبر را رد کردند.

- درست است که ابن تیمیه با زیارت قبر پیامبر(ص) مخالفت کرده؟ اگر این درست است پس وهابی ها در تحریم زیارت قبر پیامبر(ص) به چه چیزی استناد می کنند؟

ابن تیمیه با زیارت پیامبر مخالفت شدیدی کرد. علاوه بر این او میگوید کسی که به زیارت قبر پیامبر می رود حق ندارد نماز شکسته بخواند، زیرا سفر او سفر معصیت است و البته «تقی الدین السبکی» «بدرالدین الحسینی»، «ابن جماعه» مفتی شافعیه و عالم العلماء در عصر خود، «الذهبی» و گروه زیادی به او پاسخ داده اند.

هنگامی که ابن تیمیه فتوای تحریم زیارت قبر پیامبر(ص) را صادر کرد، از مصر به دمشق دستور آمد و ابن تیمیه در سال ۷۲۶ هجری بازداشت و زندانی شد و تا زمان مرگ خود در سال ۷۲۸ هجری به خاطر این جنایت بزرگ در زندان بود. هنگامی که او را از دمشق به زندان مصر می بردند مردم از خانه های خود بیرون آمدند تا ببینند این مردی که زیارت قبر پیامبر را تحریم کرده کیست چون آن را از عجائب می دانستند که کسی چنین جراتی به خود راه بدهد.

اما در پاسخ پرسش شما که وهابی ها در تحریم زیارت قبر پیامبر به چه چیزی استناد می کنند، وهابی ها سعی می کنند بگویند ابن تیمیه زیارت قبر پیامبر(ص) را تحریم نکرده است، در حالی که این فتوای او بسیار مشهور است و نمی توان آن را انکار کرد. (ادامه دارد)

*مطالب این یادداشت از سایت حوزه گرفته شده است



عبادت های خود یهودی هستند. آیا این را تایید می کنید؟ اسحاق بن زبفی متولد اوکراین در سال ۱۸۸۴ میلادی است که دکترای تاریخ عبری دارد و دومین سرکرده رژیم غاصب و اشغالگر صهیونیستی به شمار می رود و کتابی دارد به نام «القبیلة المتناثرة» (قبیله پراکنده). وی در بخشی از این کتاب می گوید: برخی طوایف دینی هستند که همچنان خود را جزء بنی اسرائیل می دانند و اعضای این طوایف با وجود اختلاف و تفاوتی که با هم دارند، از ملت یهود به شمار می روند و همچنان شعائر دین یهود را به جا می آورند و از جمله این طوایف طایفه سامرین هستند که به صراحت بر دین موسوی (حضرت موسی) هستند و طایفه مهم دیگری به نام طایفه وهابیت که در ظاهر مسلمان هستند و شعائر یهودی را به صورت پنهانی به جا می آورند و به آن ملتزم هستند.

- آیا در تاریخ اسلام، صحابه و تابعین، قبر پیامبر(ص) را زیارت کرده اند؟

حقیقت است این است که در طول تاریخ اسلام، صحابه و تابعین و نسل های پس از آنها قبر پیامبر(ص) را زیارت کرده اند و این سلسله زیارات تا عصر ما ادامه دارد. اهل مدینه قبر پیامبر(ص) را زیارت می کردند.

علاوه بر این می بینیم عبدالله بن عمر قبر پیامبر(ص) را زیارت میکرد و در آنجا دعا می کرد. پس از آن در تاریخ ثبت شده و «بدرالدین الحسینی» هم مواردی را در این زمینه و در مخالفت با ابن تیمیه ثبت کرده و در تاریخ ثبت شده که «ابوایوب انصاری» از کوفه به زیارت قبر پیامبر(ص) می آمد و صورت خود را روی قبر می گذاشت و ابتدا جانب راست صورت و سپس جانب چپ را روی قبر می گذاشت و هنگامی که در این حالت بود متوجه شد کسی روی کتف او دست می کشد و هنگامی که سر خود را بلند کرد «مروان بن حکم» را دید. او خطاب به مروان گفت من دلداه این سنگ نیستم بلکه دلداه کسی هستم که زیر این سنگ قرار دارد. علاوه بر این ثابت شده که «بلال بن رباح» که ساکن دمشق بود و قبر او در شام است، از دمشق عازم مدینه



پرسش و پاسخ

آیا می‌توان نماز نخواند و به جای آن با امام حسین (ع) رابطه‌ای نزدیک برقرار کرد؟

اگر بخواهد به شکل فرار از در خانه خدا باشد رفتن به سوی شفیع، رفتن به سوی جهنم است. اگر گفتید من نماز نمی‌خوانم به جای کار دیگری برای امام حسین (ع) می‌کنم، امام حسین (ع) به چیزی راضی می‌شود خدا به چیز دیگر، نه خدا را شناخته‌اید نه امام حسین (ع) را. امام حسین (ع) آن کسی است که در خطبه روزهای اولش فرمود: «رَضِيَ اللهُ رِضَانَا أَهْلَ الْبَيْتِ». اصلاً امام حسین (ع) اگر رضایی غیر از رضای خدا داشته باشد که امام نیست. پیغمبر (ص) اگر از خودش دکانی مستقل داشته باشد، چیزی بخواهد غیر از آنچه که خدا می‌خواهد، به چیزی خشنود باشد غیر از آنچه که خدا [به آن] خشنود است، او نمی‌تواند پیغمبر باشد. (آشنایی با قرآن، ج ۵، ص ۹۶)



نماز عمود خیمه دین و استوارترین رشته پیوند میان بنده و مولا است.. نماز بازدارنده از آلودگی و زشتی (عنکبوت، آیه ۴۵) است و حتی بی‌روح‌ترین ناقص‌ترین نماز، سدی میان انسان و گناهان است.

«معاویه بن وهب» از یاران حضرت صادق (ع) از ایشان می‌پرسد: برترین چیزی که بندگان را به خدا نزدیک می‌سازد و محبوب‌ترین کار در نزد خداوند چیست؟ حضرت فرمود: «بعد از شناخت خداوند، چیزی را با فضیلت‌تر از نماز نمی‌دانم».

«ابو ثمامه صیداوی در ظهر عاشورا، در میان حلقه تنگ محاصره دشمن، خدمت امام (ع) می‌رسد و فرا رسیدن وقت نماز ظهر را به یاد امام (ع) می‌آورد و آرزو می‌کند بعد از خواندن نماز به امامت مولایش، به دیدار معبودش بشتابد. امام حسین (ع) در پاسخ او می‌فرماید: «نماز را به یاد من آوردی، خداوند تو را از نماز گزاران قرار دهد» (بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۱)

حسین بن علی (ع) و تنی از یارانش در برابر تیرهایی که از سوی دشمن می‌آمد، نماز ظهر را به جا آورد و عده‌ای از یارانش به هنگام نماز به خاک و خون افتادند و بر بال شهادت به دیدار دوست شتافتند.

در عصر تاسوعا که لشکر نفاق به طرف خیام امام (ع) روی آوردند و آماده حمله و جنگ بودند، برادر دلاورش عباس (ع) را به نزد آنان فرستاد و به او فرمود: اگر می‌توانی تا فردا جنگ را به تأخیر بینداز و سپس فرمود: «شاید امشب برای پروردگاران نماز به جا آوریم و به درگاه او دعا نموده و طلب بخشش کنیم. خدا می‌داند که من نماز برای او و خواندن کتابش و زیادی دعا و استغفار را دوست می‌دارم». (بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۹۲)

شهید مطهری در باره افرادی که عشق امام را جایگزین نماز کرده اند گفته است: خیال نکنیم که این رفتن به سوی شفیع فرار از در خانه خداست!



ویژه نامه مذهبی - خبرگزاری صدا و سیما

دبیر ویژه‌نامه: زهره قدیمی

